



سیر تکامل آموزش و پرورش در ایران / از کجا به کجا می‌رویم؟

آموزش و پرورش نسل کودک و نوجوان در هر کشوری از اولویت‌های راهبردی آن جامعه است که حفظ هویت ملی،

آموزش و پرورش نسل کودک و نوجوان در هر کشوری از اولویت‌های راهبردی آن جامعه است که حفظ هویت ملی، ارتقای سرمایه اجتماعی و توسعه منابع انسانی، به میزان موفقیت در این حوزه بستگی دارد. در همین راستا، آمارها نشان می‌دهد که میزان سواد عمومی و امکانات آموزشی کشورمان نسبت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی جهش قابل توجهی داشته است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، کودکان در زمان هخامنشیان از بدو تولد تا سن ۵ تا ۷ سالگی باید فقط نزد مادران خود و در محیط خانواده، آموزش‌های ابتدایی و نحوه صحیح آداب زندگی را پشت سر می‌گذاشتند. پس از آن (از ۵ تا ۲۰ سالگی) برای ورود به مدرسه و آموزش‌های همگانی مانند اسب سواری، تیراندازی و راستگویی آماده می‌شدند.

آموزش و تعلیم در این عهد توسط مُغان (مُغ‌ها) و روحانیان زرتشتی در آتشکده‌ها انجام می‌گرفت، ولی به دستور داریوش اول، مدارس هم برای آموزش علوم مختلف و فنون نظامی تأسیس شد و در این دوران همانند سایر دوره‌های تاریخی ایران باستان، قشر و طبقه خاصی از جامعه آموزش می‌دیدند.

دانشگاه گندی شاپور مهم‌ترین مرکز علمی دوران باستان

آموزش و پرورش در عهد ساسانی نیز همانند دوران هخامنشیان، موضوعاتی مانند اخلاق، مناعت نفس، جوانمردی، سلحشوری و وطن پرستی از مهم‌ترین محورهای آن به حساب می‌آمد؛ همچنین بخش‌های دینی، تربیت بدنی، خواندن، نوشتن و حساب کردن نیز در دستور آموزه‌های پرورشی قرار می‌گرفت. در این دوره، آموزش و پرورش نه تنها در سرتاسر کشور گسترش و رونق یافت بلکه آوازه فرهنگ و شیوه زندگی ایرانی به شرق و غرب نیز رسید.

البته آموزش در این دوره نیز محدود به اشراف و طبقات ممتاز جامعه بود. در زمان ساسانیان اقدامات گسترده‌ای در زمینه آموزش انجام گرفت که تأسیس مدرسه «رها» در شهر نَصیبین (شهری در جنوب ترکیه امروزی) از آن جمله بود، البته لازم به ذکر است که مهم‌ترین مرکز علمی و آموزشی عهد باستان یعنی «دانشگاه گندی شاپور» در دوره ساسانیان آغاز به کار کرد.

از دیدگاه صاحب نظران، تاریخ تعلیم و تربیت نوین ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره نخست شامل تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ هجری قمری (۱۲۳۰ هجری شمسی) توسط «امیرکبیر» و اعزام دانشجو به اروپا و گسترش مدرسه‌های خارجی است؛ در این دوره هدف از تربیت برای پرورش نیروهای نظامی و اداری کارآمد جهت تکمیل کادر دولت بود.

تأسیس مدارس امروزی از دوران مشروطه

دوره دوم شامل توسعه مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه در سراسر کشور برای گسترش آگاهی عمومی نسبت به حقوق و آزادی‌های اجتماعی و همچنین انتقال هنجارهای اجتماعی به شهروندان ایرانی بود که «میرزا حسن رشیدی» و «میرزا یحیی دولت‌آبادی» و دیگران مدرسه‌هایی به سبک جدید و با اقتباس از الگوهای مراکز آموزشی مدرن تأسیس کردند و در آن‌ها به تدریس علوم جدید پرداختند.

با آغاز حکومت مشروطه، تأسیس مدرسه‌های دولتی و تحصیل اجباری در حوزه وظایف دولت قرار گرفت، به نحوی که در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی قانون اساسی (فرهنگ) در مجلس دوم به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۲۸ ماده در تعمیم آموزش و پرورش و توسعه مدرسه در آن زمان نقش عمده‌ای داشت، همچنین در سال ۱۳۲۲ شمسی قانون تعلیمات اجباری به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید و به موجب آن مقرر شد طی گذشت دو سال در تمام کشور آموزش ابتدایی به صورت اجباری و همگانی به اجرا درآید.

به موجب قانون اساسی مصوب آبان ۱۲۹۰ شمسی (ماده ۱۵) برای تحصیل چهار درجه تعیین شده بود؛ به این ترتیب:

۱. دبستان دهکده که در روستاهای کوچک دایر می‌شد و طول دوره تحصیل آن چهار سال بود و معلمان آن دارای مدرک ششم ابتدایی بودند.

۲. دبستان شهر که مدت تحصیل ابتدایی در آن شش سال تعیین شده بود و معلمان آن مدرک دوره اول متوسطه یا بالاتر داشتند.
۳. دبیرستان که طول دوره متوسطه در آن تا دی ماه ۱۳۳۳ شش سال بود، از مهرماه ۱۳۳۴ به دو دوره سه ساله اول که جنبه همگانی داشت و دوره سه ساله دوم شامل رشته های ادبی، ریاضی، طبیعی، کشاورزی، حرفه ای، خانه داری(دختران)، بازرگانی و امور دفتری تغییر یافت و تأسیس مدرسه های خصوصی با کمک دولت مورد تشویق قرار گرفت.
۴. دوره عالی که در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی صورت گرفت، در سال ۱۳۱۷ در سازمان و برنامه دبیرستان ها تجدیدنظر شد و به تقلید از فرانسه، دوره شش ساله متوسطه که تا آن زمان به دو دوره سه ساله تقسیم شده بود، به سه دوره اول سه ساله، دوم دو ساله و سوم یک ساله تقسیم شد.

بی سوادی وحشتناک قبل از انقلاب

روند توسعه مدارس نه تنها در دوران پهلوی ادامه نیافت، بلکه شرایط تحصیل به دلیل مشکلات اقتصادی و نبود زیرساخت های فرهنگی، سخت تر نیز شد و در نتیجه ی آن، سطح بی سوادی مردم ایران در دوره قبل از انقلاب اسلامی به حدی بود که نخست وزیر وقت رژیم شاه در سال ۱۳۴۱ اذعان داشت: "تعداد بی سوادهای کشور وحشتناک است!"

لازم به ذکر است که آمار باسوادی ایرانیان در سال ۱۳۳۵ در آقایان ۲۲.۴ درصد و در بانوان ۸ درصد بود، در حالی که این آمار در سال ۱۳۹۵ در آقایان ۹۱ درصد و در بانوان ۸۴.۲ درصد آورده شده است؛ و در زمان حال میانگین این آمار نزدیک به ۹۹ درصد رسیده است.

حتی اندیشمندان و روشنفکران غربی هم نتوانستند این واقعیت را کتمان کنند، برای مثال یرواند آبراهامیان(استاد دانشگاه نیویورک) در کتاب "تاریخ ایران مدرن" می نویسد: «یکی از پایین ترین نرخ های آموزش عالی مربوط به ایران بود، ۶۸ درصد از جمعیت بزرگسال بی سواد بودند، ۶۰ درصد از کودکان نمی توانستند دوره دبستان را به صورت کامل طی کنند و تنها ۳۰ درصد از داوطلبان کنکور می توانستند وارد دانشگاه ها شوند.

در این میان شمار افراد متقاضی تحصیل در خارج از کشور رو به رشد بود، به نحوی که در دهه ۱۹۷۰ میلادی شمار پزشکان ایرانی مستقر در نیویورک بیشتر از شهرهای کشورمان بود، همچنین جان فوران جامعه شناس و استاد دانشگاه کالیفرنیا، می نویسد: «به رغم ایجاد مدارس روستایی توسط سپاه دانش، تنها ۱۵ درصد روستاییان در سال ۱۳۵۰ از تحصیلات ابتدایی برخوردار می شدند و در سال ۱۳۵۴، ۶۰ درصد مردان و ۹۰ درصد زنان روستایی بی سواد بودند.»

علاوه بر موارد فوق، خانم نیکو آر. کدی، استاد دانشگاه یوسی ال ای آمریکا، در مورد توجه رژیم پهلوی به بخش تعلیم و تربیت کشور، می نویسد: «در طول سلطنت رضاشاه تنها ۴ درصد از بودجه کل کشور صرف تعلیم و تربیت می شد و این عدم کفایت بودجه آموزشی در زمان حکومت فرزندش همچنان ادامه یافت.»

نهضت سوادآموزی پس از انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی(ره) در ۷ دی ۱۳۵۸ طی پیامی جهت «مبارزه عمومی با بی سوادی» فرمودند: «از جمله حوایج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن، بلکه مهم تر از آنهاست، آموزش برای همگان است»، در همین راستا سازمان نهضت سوادآموزی برای فراگیری خواندن و نوشتن در همه نقاط کشور شکل گرفت، که در نخستین اقدام با بررسی کتاب های موجود و حذف آثار طاغوت، محتوایی متناسب با ارزش های انقلاب اسلامی، تهیه و اولین کلاس های سوادآموزی از اوایل سال ۱۳۵۹ زیر نظر شورای نهضت سوادآموزی تشکیل شد.

سازمان نهضت سوادآموزی طی سال های اول انقلاب طرح های "گامی به سوی نور"، "سرباز معلم"، "لازم التعلیم" و "مساجد" را اجرایی کرده که در پی آن به طور متوسط سالانه نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر در کلاس های سوادآموزی شرکت کردند. علاوه بر آن، اقدامات زیرساختی مانند احداث مدارس در مناطق محروم توسط جهاد سازندگی، تربیت معلمان متخصص و چاپ کافی کتب درسی موجب تحول در نظام آموزش و پرورش کشورمان پس از انقلاب اسلامی شد.

رشد ده ها برابری شاخص های آموزشی پس از انقلاب اسلامی

بر اساس آمارهای موجود، تعداد مدارس کشور در سال ۱۳۵۷، ۵۲۰۶۰ واحد بود که در سال ۱۴۰۰ حدود ۲ برابر شده و به ۱۱۳۱۷۴ واحد رسیده است، تعداد مدارس فنی و حرفه ای در سال ۵۷، ۶۷۵ واحد بود که در سال ۱۴۰۰ با رشد ۴ برابری به ۲۶۲۹ واحد رسیده است، تعداد مدارس خارج از کشور از ۷ کشور به ۵۴ کشور افزایش یافته و از ۱۹ واحد سال ۵۷ به ۲۱۲ واحد

رسیده است یعنی رشد ۱۱ برابری.

روند اتصال مدارس به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات از سال ۱۳۸۳ شروع شد که هم اکنون ۷۶۴۰۰ مدرسه به این شبکه متصل هستند، تعداد مدارس استثنایی از ۱۶۲ واحد به ۱۶۸۷ واحد رسیده یعنی افزایش ۱۰ برابری.

تعداد دانش آموزان استثنایی با رشد ۹ برابری از ۸۳۱۶ نفر به ۷۸۲۷۱ نفر رسیده است، تعداد مدارس استعدادهای درخشان از ۵ واحد به ۷۰۸ واحد رسیده است، افزایشی بیش از ۱۴۱ برابر.

تعداد دانش آموزان استعدادهای درخشان از ۹۳۸ نفر به ۱۲۴۴۸۷ نفر رسیده است؛ بیش از ۱۳۳ برابر، سرانه زیربنای آموزشی به ازای هر دانش آموز از ۱۰۴۴ مترمربع در سال ۵۷ به ۵۰۲۲ مترمربع رسیده است یعنی بیش از سه برابر. تعداد کل دانش آموزان در سال ۵۷، ۸۳۳۰۶۲۸ نفر بود که در سال ۱۴۰۰ به ۱۵۹۰۸۱۷۹ نفر رسیده است.

لزوم اجرای سند تحول برای ظهور نسل جوان مومن و کارآمد

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. این سند در ۸ فصل با هدف ایجاد تحول در نظام آموزشی کشور و تربیت نسلی متعهد، خلاق و کارآمد تدوین شده است. فصل چهارم این سند بر افق چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ تاکید کرده است که در مبنای آن، مدرسه جلوه‌های shy­؛ ای از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه shy­؛ خدمات و فرصت shy­؛ های تعلیم و تربیت، زمینه shy­؛ ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته shy­؛ هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی در چارچوب فلسفه و رهنامه shy­؛ نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

اما مفصل‌ترین فصل سند تحول بنیادین، فصل هفتم است که ذیل عنوان «هدف‌های عملیاتی و راهکارها» نامگذاری شده است. در این فصل ۲۳ راهکار کلی مختلف بیان شده است که در ذیل هر راهکار، جزئیات اجرایی و عملیاتی آن نیز مطرح شده است، که عناوین آن به شرح زیر است:

۱- پرورش درست تربیت یافتگان ۲- تعمیق تربیت اسلامی ۳- ترویج فرهنگ حیا و عفاف ۴- تقویت بنیان خانواده ۵- تأمین و بسط عدالت آموزشی ۶- تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری ۷- افزایش نقش مدرسه ۸- افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت در تعالی کشور ۹- جلب مشارکت ارکان موثر در تربیت ۱۰- ارتقای منزلت اجتماعی فرهنگیان ۱۱- بازمهندسی اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم ۱۲- تأمین رفاه فرهنگیان ۱۳- افزایش نقش شوراهای آموزش و پرورش ۱۴- متناسب سازی فضاهای تربیتی با ویژگی‌های دانش آموزان ۱۵- اصلاح محتوا و ارتقای جایگاه علوم انسانی ۱۶- تنوع بخشی در ارائه خدمات آموزشی ۱۷- استفاده از فناوری‌های نوین ۱۸- نوآوری در نظام تعلیم و تربیت رسمی ۱۹- استقرار نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت ۲۰- تأمین و تنوع بخشی منابع مالی و مدیریت مصرف ۲۱- بازنگری ساختارها و روش‌ها ۲۲- ارتقا و بهبود مستمر کیفیت نظام کارشناسی و مدیریت آموزشی ۲۳- توسعه ظرفیت پژوهش و نوآوری.

۱۲ نکته مهم مقام معظم رهبری در رابطه با آموزش و پرورش

با توجه به راهکارهای عملیاتی فوق، انتظار می‌رود که آموزش و پرورش ما زیرساخت فرهنگی و اجتماعی ما را برای تحقق جامعه اسلامی فراهم کند. در همین راستا، مقام معظم رهبری ۱۲ اردیبهشت سال گذشته (۱۴۰۲) در دیدار با فرهنگیان به ذکر ۱۲ نکته مهم پرداختند که عبارتند از:

- ۱) باید هویت ایرانی و اسلامی و شخصیت ملی را در کودکان کشور زنده کنیم.
- ۲) دانش آموز باید به ایرانی بودن خود افتخار کند.
- ۳) به همه و به خصوص به معلمین توصیه می‌کنم دست نوشته‌ها و سخنرانی‌های شهید مطهری را بخوانند.
- ۴) همه آن خصوصیات که ما در معلمین مدارسمان یا مدرسین دانشگاه‌هایمان انتظار داریم، در این استاد شهید وجود داشت، علم داشت، تعهد داشت، دقت داشت، پیگیری داشت، نظم و انضباط در کار داشت.
- ۵) اولین مطلبی که در باب معلم باید بنده امروز عرض بکنم، سپاس از جامعه معلمان است؛ این سربازان گمنام نظام اسلامی و اسلام و مسلمین که در اطراف کشور در دورترین نقاط کشور بی‌سر و صدا مشغول کارند، مشغول مجاهدتند. با سختی‌ها، با مشکلات فراوان دارند کار می‌کنند.
- ۶) فرزندان ملت را جامعه معلمین تربیت می‌کنند و آن‌ها را برای آینده روشنی آماده می‌کنند؛ معلم در واقع معمار آینده کشور است، امروز شما دارید فردای کشور را می‌سازید.

۷) معلم، شاگرد را مثل فرزند خودش بداند؛ شما در مورد پسر خودتان، دختر خودتان چه آرزوهایی دارید؟ نمی خواهید خوشبخت باشد؟ نمی خواهید سربلند باشد؟ نمی خواهید عاقل باشد؟ نمی خواهید باسواد باشد؟ نمی خواهید رفتار او احترام برانگیز باشد در جوامع، در خانواده ها؟ انسان راجع به بچه اش این چیزها را می خواهد، عین همین ها را از این شاگردتان هم بخواهید.

۸) در خلال درس با رفتار، با کردار، با بیان؛ ایمان را، صلاح را، صلاحیت های انسانی را در این شاگرد پرورش بدهید، فرض کنید فرزند خودتان است.

۹) ما از معلم توقع داریم احساس مسئولیت کند، این توقع، توقع بجایی است اما در مقابل، در قبال معلم هم باید احساس مسئولیت بشود.

۱۰) برنامه های پرورشی باید در مدرسه دیده بشود، در مدارس خبر چندانی نیست، باید امور پرورشی امتداد داشته باشد تا داخل مدارس. بسیاری از مدارس معاون پرورشی ندارند، مسئول پرورشی ندارند، باید حتماً تأمین بشود.

۱۱) باید کار پرورشی جذاب باشد، بچه ها را فراری نباید داد، باید جوری باشد که بچه ها به طرف او جذب بشوند، تقویت و هویت ملی، تقویت عشق به میهن، تقویت پرچم ملی، تعلیم سبک زندگی اسلامی و ایرانی؛ این ها در شمار اصلی ترین کارهایی است که بایستی انجام بدهیم.

۱۲) بعضی از مدارس غیردولتی انصافاً ابتکارات جالبی دارند، کارهای بسیار خوبی انجام می دهند. از آن ابتکارات باید استفاده کرد لکن به مجموعه ی مدارس غیردولتی هم باید نظارت داشت.